

یارانه سوخت
در چنبره پوپولیسم

بو با ناظران

به چند عدد که با یک حساب سرانگشتی ساده قابل محاسبه هستند، نگاهی بیندازیم: - دولت روزانه (بله در دست می خوانید، روزانه!) بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان فقط برای مصرف بنزین یارانه توزیع می کند. - از این ۴۰۰ میلیارد تومان یارانه، بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان به دهک دهم جامعه (ثروتمندترین ها) می رسد. سهم دهک اول جامعه (فقرترین ها) چقدر است؟ سهم گروه های کم درآمد یارانه بنزین نزدیک به ۱۰ میلیارد تومان است. سهم قاچاقچیان بنزین از یارانه، روزانه حدود ۸۰ میلیارد تومان است. میزان و اهمیت این اعداد وقتی روشن می شود که بدانیم: بودجه کمیته امداد روزی ۱۳ میلیارد تومان است. قیمت یک اتوبوس نو تقریباً یک میلیارد تومان و قیمت یک قطار مترو ۴۰ میلیارد تومان است.

- مجموع درآمد فقیرترین دهک جامعه، حدوداً روزی ۶۰ میلیارد تومان است؛ یعنی حتی کمتر از سهم ثروتمندان از یارانه بنزین! - میزان درآمد مالیاتی دولت در سال ۹۶ روزانه ۳۲۰ میلیارد تومان بوده است.

- بودجه عمرانی یک روز دولت نزدیک به ۱۴۰ میلیارد تومان است.

کنار هم قرار دادن این اعداد، دنیا را پیش چشم هر انسان منصفی تیره و تار می کند. قصه خیلی ساده و روشن است: تنها از محل بنزین، دولت روزانه بر بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان چشم می پوشد. در حالی که با این مبلغ، می تواند به زندگی فقرا و در ماندگان سروسامان دهد، شبکه حمل و نقل عمومی را متحول کند، از فشار مالیاتی کسب و کارها در شرایط اقتصادی کنونی بکاهد و به توسعه زیرساخت های کشور بپردازد. دقت کنید! این اعداد و ارقام تنها مربوط به یارانه بنزین است، یارانه گاز و ویل از یارانه بنزین هم بیشتر است و این قصه در گاز، برق و آب نیز همین قدر آندوهناک است.

گزاره ها و نگاه های پوپولیستی به مادیکنه کرده اند که هر افزایش قیمتی معادل بی عدالتی است. امروز، بازار بنزین نمونه ای از پایین نگه داشتن دستوری و مصنوعی قیمت است. در عواقب آن، چه عدالتی می بینیم؟ کجای اینکه ثروتمندان ۱۰ برابر فقرا یارانه بگیرند رنگ عدالت دارد؟ کجای آنکه یارانه قاچاقچی از کل درآمد فقرا بیشتر باشد، عادلانه است؟ با این ۴۰۰ میلیارد تومان یارانه، می توان چندین میلیون فقیر مطلق را به زندگی برگرداند و با خرید چندین اتوبوس و قطار مترو شبکه حمل و نقل عمومی را متحول کرد. این منبع مالی عظیم برای رشد و توسعه زیرساخت های کشور آن هم در شرایط نامطلوب و نگران کننده فعلی اقتصاد ایران بسیار حیاتی و ارزشمند است. در حالی که ما بسر کوب قیمت بنزین نه تنها انگیزه ای برای مصرف در سست و هدفمند ایجاد نمی کنیم، بلکه خود را در دود و دم و ترافیک زندانی کرده ایم. اما اگر حقیقتاً قصه اینقدر ساده و روشن است، چرا دولت دست روی دست گذاشته و قدمی در جهت اصلاح بازار بنزین بر نمی دارد؟ آنچه این قصه ساده و روشن را به یک چالش پیچیده و لاینحل تبدیل کرده است، به پیشینه سال ها سیاست گذاری غلط، به نگاه کوتاه مدت و روزمرنگر سیاست گذار و به بی اعتمادی جامعه به حکمرانی اقتصادی بر می گردد. اقتصاد امروز تلنباری از تصمیمات نادرست و ناکارآمد گذشته است. حاصل دیروز و امروز نیست، بلکه ماری است که سال ها است در آستین پرورده ایم. واقعاً کار ساده ای نیست که اقتصادی را که سال ها به انواع رانت ها و یارانه ها عادت کرده، یک شبه از زیر آوار ناپرهوری، نابرابری و فساد، سالم بیرون بکشیم. تک تک ما، ذی نفعان وضع موجود هستیم؛ وضعی که هر چند نامطلوب است، اما کار و زندگی خود را بیرون آن تنظیم کرده ایم. هر اصلاحی که در بلندمدت وضع ما را مطلوب کند، در کوتاه مدت هزینه بازتنظیم کار و زندگی را به تک تک ما تحمیل می کند. اما مگر نه این است که وظیفه سیاست گذار در مان مشکلات اقتصاد است، نه مماشات با آنها؟ پس چرا سیاست گذار، فکری برای این اقتصاد بیمار نمی کند و برای درمانش آستین بالا نمی زند؟ واقعیت این است که سیاست گذاری که آرامش و سکوت را به سلامت و زندگی ترجیح می دهد، جسارت لازم برای درمان بیمار را ندارد، بلکه محافظه کارانه راه پیشینیان خود را ادامه می دهد و اقتصاد را در آنچه به آن معتاد است، رها می کند. امروز دیگر لزوماً سر بی خیالی و قدرت طلبی نیست که سیاست گذار تصمیمات پوپولیستی می گیرد؛ بلکه از سر استیصال است. سؤال این است که اگر مردم بازنده وضع کنونی و برنده اصلی حذف یارانه بنزین و پرداخت یارانه های هدفمند هستند، استیصال و درماندگی سیاست گذار ناشی از چیست؟

خودکفایی از شعار تا عمل

ضرورت رقابتی شدن بهای تمام شده گندم



مهدی العباسی، روزنامه نگار

روز گذشته، علی قلی ایمانی رئیس بنیاد توانمندسازی گندم در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی ایلنا، گفت: «مسال پرداخت مطالبات گندمکاران با نظم بیشتری همراه بوده البته در قانون آمده که اگر دولت بخواهد در پرداخت ها تاخیر داشته باشد باید مطابق نرخ روز شماری که بانک مرکزی اعلام می کند سود تاخیر را به کشاورزان بپردازد اما متأسفانه این قانون عملیاتی و اجرایی نشده است.» رئیس بنیاد توانمندسازی گندم در رابطه با اعلام نرخ خرید تضمینی گندم تصریح کرد: «طبق صحبت هایی که وزیر جهاد کشاورزی داشتند نامه ای را آقای جهانگیری به آقای نوبخت زده اند تا نرخ را سریع تر نهایی و مصوب کنند و قرار شده بود در این هفته نرخ خرید تضمینی اعلام شود اما هنوز هیچ خبری نشده است.»

خودکفایی در تولید گندم

یکی از شعارهایی که در دو دهه ابتدای انقلاب بسیار به گوش می رسید، این بود که خودکفایی در کشاورزی، محور استقلال است.

از آنجا که یکی از اتهامات اصلی رژیم گذشته، وابستگی به بیگانگان بود، استقلال به اصلی ترین شعار انقلاب تبدیل شد و در بخش اقتصاد نیز، استقلال، معنی خودکفایی به خود گرفت. حتی عده ای از تعبیر نهضت خودکفایی استفاده می کردند و مقصودشان این بود که کشور در تمام شئون اقتصادی اعم از حوزه صنعت و کشاورزی باید توان تولید در داخل را داشته باشد. یعنی تمامی مایحتاج صنعتی و کشاورزی کشور باید در داخل ایران و به دست ایرانیان تولید شود. در این میان گندم وضعیتی خاص و کاملاً استثنایی پیدا کرد. چرا که هواداران استقلال و خودکفایی کشور معتقد بودند، در میان اقسام وابستگی، هیچ نیکی از این بالاتر نیست که یک ملت برای تهیه نان خود به بیگانگان وابسته باشد. از این رو در بخش کشاورزی، خودکفایی در تولید گندم به یک معیار و شاخص اصلی برای سنجش میزان کامیابی دولت ها در تحقق شعار خودکفایی تبدیل شد. به نحوی که به طور مثال محمود حجتی، وزیر کنونی جهاد کشاورزی اصلی ترین افتخار خود را این می داند که در دو دولت خاتمی و روحانی موفق شده است کشور را از

واردات گندم بی نیاز سازد.

به نظر می رسد تمامی دولت های بعد از انقلاب (دولت های جنگ، سازندگی، اصلاحات، مهرورزی و اعتدال) ضرورت خودکفایی در تولید گندم را به عنوان یک اصل بدیهی پذیرفته اند و هر یک تلاش دارند نشان دهند چگونه در تحقق این امر، موفق بوده اند. اما پرسش این است که آیا نیاز به گندم تفاوت معناداری با سایر نیازهای کشور دارد که خودکفایی در تولید آن به یک امر ناموسی برای دولت ها تبدیل شده و منابع مادی و مالی و انسانی کشور برای تحقق آن بسیج کرده اند؟ یا اساساً خودکفایی در تولید گندم آن هم برای کشوری که سال هاست در گیر خشکسالی فراینده است و چشم انداز این خشکسالی دورنمایی تیره راتر سیم می کند، افتخار به شمار می آید؟ آیا درست است که به گندم رویکردی استثنایی داشته باشیم و برای آن وجوه سیاسی و حتی امنیت ملی قائل شویم؟ حتی اگر قائل به تلقی امنیتی نسبت به ماجرا هستیم آیا واردات گندم امنیت ملی را بیشتر به مخاطره می اندازد یا بی ای؟

هزینه تولید گندم در ایران چقدر است؟

در حال حاضر دولت برای خودکفایی

اگر اراده ای جدی برای خودکفایی در تولید گندم وجود دارد در درجه اول باید با افزایش بهره‌وری آب، حرکت به سوی استفاده از تکنولوژی در کاشت، داشت و برداشت و افزایش بهره‌وری نیروی انسانی، بهای تمام شده تولید گندم داخلی را کاهش داد و آن را به امری اقتصادی تبدیل کرد

در گندم چنان اهمیت راهبردی قائل است که در وزارت جهاد کشاورزی، بنیادی تحت عنوان توانمندسازی گندم ایجاد کرده است و در فهرست خرید تضمینی محصولات کشاورزی، خرید گندم در صدر فهرست محصولات کشاورزی قرار دارد. آنچه در سالیان گذشته همواره شاهد بوده ایم این است که هم دولت همیشه مدعی است برای خرید تضمینی گندم، قیمتی بالاتر از قیمت متعارف گندم در دنیا پرداخت می کند و هم کشاورزان همیشه معترض و ناراضی هستند و قیمت خرید تضمینی

را برای تامین هزینه های تولید ناکافی می دانند. پرسش این است که وقتی تولید یک محصول هم دولت را به عنوان خریدار، ناراضی ساخته و هم کشاورز به عنوان تولید کننده، رضایت ندارد، چه اصراری برای استمرار این وضعیت وجود دارد؟ سال گذشته بود که حسن روحانی، رئیس جمهوری در جشن خودکفایی گندم گفت: دولت گندم را از کشاورزان برای هر کیلو بیش از ۱۳۰۰ تومان می خرد در حالی که می تواند همان گندم را به قیمت کیلویی ۷۰۰ الی ۸۰۰ تومان وارد کند و ی تأکید کرد: دولت از این بابت فشار بودجه ای زیادی را تحمل می کند اما برای پشتیبانی از گندمکاران داخلی ایسن کار را انجام می دهد.

این اظهارات در حالی است که کشاورزان نه تنها از این منت گذاشتن رئیس جمهوری راضی نیستند که عدد ۱۳۰۰ تومان برای هر کیلو گندم را برای تامین هزینه های تولید ناکافی می دانند. دبیر بنیاد خودکفایی گندم در خصوص افزایش قیمت خرید تضمینی گندم برای امسال و میزان نرخ پیشنهادی وزارت جهاد کشاورزی گفت: «پیشنهاد وزیر جهاد کشاورزی حدود ۱۶۰۰ تومان است اما باید منتظر اعلام نظر شورای اقتصاد باشیم، در مجموع سه سال است که قیمت خرید تضمینی گندم تغییری نداشته است. قیمت ها هم در بحث خانوار کشاورز و هم در بحث اجزا و عوامل تولید مانند ماشین آلات، ادوات، هزینه حمل، دستمزد کارگر و هزینه تولید باید در نظر گرفته شود. قیمت تراکتوری که در اختیار کشاورزان است تا ۳۸ درصد افزایش پیدا کرده است. ما اگر بخواهیم نرخ واقعی را اعلام کنیم باید تمام هزینه ها را در نظر بگیریم و با احتساب سود قیمت را اعلام کنیم.»

از یک سو با توجه به سخن رئیس جمهوری مبنی بر قیمت کیلویی ۷۰۰ الی ۸۰۰ تومان برای واردات گندم، و از سوی دیگر ناکافی دانستن عدد ۱۳۰۰ تومان از سوی کشاورزان و تقاضای افزایش قیمت خرید تضمینی، گویای آن است علاوه بر مشکل کم آبی و فشار تولید گندم به منابع آبی، اساساً بهای تمام شده تولید گندم در ایران به دلایل

هواداران استقلال و خودکفایی کشور معتقد بودند، در میان اقسام وابستگی، هیچ نیکی از این بالاتر نیست که یک ملت برای تهیه نان خود به بیگانگان وابسته باشد. از این رو در بخش کشاورزی، خودکفایی در تولید گندم به یک معیار و شاخص اصلی برای سنجش میزان کامیابی دولت ها در تحقق شعار خودکفایی تبدیل شد

مختلف اقلیمی و مادی و انسانی، بسیار بیشتر از قیمت های جهانی است. وقتی قیمت تمام شده گندم در ایران حدود ۲ برابر قیمت های جهانی است، این پرسش پیش می آید که چرا باید بر تولید محصولی در داخل کشور اصرار داشته باشیم که هم کشاورز از قیمت آن ناراضی است، هم دولت به عنوان خریدار؟ آیا بهتر نیست با گندم نیز با منطق اقتصادی مواجهه شویم و بار رویکرد سیاسی و ایدئولوژیک را از دوش آن برداریم؟ به راستی هزینه فرصت از دست رفته گندم در ایران چقدر است؟ با توجه به بازده پایین بخش کشاورزی در ایران، اگر مصلحت در تولید گندم در داخل کشور است قطعاً لازم است به افزایش بهره‌وری به صورت جدی اندیشید تا خودکفایی به بهای نابودی منابع ملی نباشد. در حال حاضر مصرف آب در ایران در بخش کشاورزی بسیار بالاست. از سوی دیگر بازدهی بخش کشاورزی حدود ۴۰ درصد است. در این صورت اصرار بر خودکفایی صرفاً به معنی اتلاف منابع است. اگر اراده ای جدی برای خودکفایی در تولید گندم وجود دارد در درجه اول باید با افزایش بهره‌وری آب، حرکت به سوی استفاده از تکنولوژی در کاشت، داشت و برداشت و افزایش بهره‌وری نیروی انسانی، بهای تمام شده تولید گندم داخلی را کاهش داد و آن را به امری اقتصادی تبدیل کرد.

دولت می شود و دولت در همه شرایط به دنبال کنترل نرخ ارز بوده است.

وی با تأکید بر تامین ۹.۵ میلیارد دلار ارز دولتی برای کالاهای اساسی و تلاش بانک مرکزی برای پوشش تمام نیازهای مردم از طریق سامانه نیما، یادآور شد: در جلسه سران سه قوه، تصمیمات جدی برای برخورد با صادرکنندگانی که ارز خود را در سامانه نیما عرضه نکنند در دستور کار قرار گرفت که به زودی اجرایی می شود. رئیس کل بانک مرکزی عبور از شرایط دشوار فعلی را نیازمند همراهی اقشار مختلف دانست و گفت: در همین راستا، بسته حمایتی دولت برای اقشار کم درآمد پیش بینی شده است که در هفته اول آبان ماه، به حدود ۲۰ میلیون خانوار ارائه می شود. وی با اشاره به عقب نشینی دولت آمریکا از به صفر رساندن فروش نفت ایران، تصریح کرد: جمهوری اسلامی با روش های متنوع به فروش نفت خود ادامه می دهد.



تصریح کرد: تلاش زیادی از سوی دلالان و عناصر ضدانقلاب برای به اوج رساندن التهابات در تاریخ ۱۳ آبان صورت گرفته بود که با تلاش همه مسئولان و اقدامات بانک مرکزی، معتقدیم در این تاریخ هیچ اتفاقی خاصی روی نخواهد داد و پس از آن شاهد آرامش بیشتر در بازار خواهیم بود. همتی با رد شایعه انتفاع دولت از افزایش نرخ ارز تصریح کرد: افزایش نرخ ارز موجب افزایش هزینه های



خردیدان را در هند خواهد فروخت. آرمکو معمولاً درباره مبادلات تجاری اظهار نظر نمی کند. شرکت ملی نفت ابوظبی و شرکت نفت کویت نیز گریدهای نفتی جدیدی عرضه کرده اند که حدود ۱۷۰ هزار بشکه در روز به عرضه نفت سبک خواهد افزود. یک معامله گر دیگر گفت: عرضه نفت سبک شامل عرب اکسترا لایت، گریدهای اندوک و سی پی سی بلند قزاقستان، فراوان است.

به گفته یک معامله گر در یک پالایشگاه آسیای شمالی، پالایشگاه ها ماه گذشته خواستار افزایش خرید نفت از عربستان شدند که علت افزایش عرضه این کشور در ماه جاری را مشخص می کنند. این منابع آگاه همچنین اظهار کردند آرمکو عربستان عرضه گرید «عرب اکسترا لایت» را به برخی از پالایشگاه ها در شمال آسیا افزایش داده اند. منابع آگاه پیش تر به رویترز گفته بودند آرمکو چهار میلیون بشکه نفت اضافی به

قیمت رقیبان نفت ایران کاهش یافت

به قیمت های تعیین شده ارزان تر معامله می شوند. روند مذکور برخلاف ماه گذشته است که نرخ محموله های نوامبر به دلیل کاهش خرید نفت از ایران در آستانه بازگشت تحریم های آمریکا، گران شده بود. عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی پس از اینکه اوپک و روسیه متعهد شدند تولیدشان را برای حفظ ثبات بازار افزایش دهند، صادراتشان به آسیا را افزایش دادند.

محموله های نفتی تکی خاورمیانه پس از این که تولیدکنندگان این منطقه، عرضه خود را برای جایگزینی نفت ایران افزایش دادند و بلا یای طبیعی در ژاپن به تقاضای این کشور آسیب زد، به قیمت ارزان تری معامله می شوند.

منابع صنعتی به رویترز اظهار کردند این بازار ماه جاری برای محموله هایی که در دسامبر با گبری می شوند به یکباره ضعیف شد و اکثر گریدها از نفت سبک موربان ابوظبی گرفته تا لند و مارین قطر، نسبت